

از بردگی تا میراث داری



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۳ آیه ۲۶ تا باب ۴ آیه ۲۰؛ رومیان باب ۶ آیات ۱ تا ۱۱؛ عبرانیان باب ۲ آیات ۱۴ تا ۱۸، باب ۴ آیات ۱۴ و ۱۵؛ رومیان باب ۹ آیات ۴ و ۵.

آیه حفظی: «لهذا دیگر غلام نیستی بلکه پسر، و چون پسر هستی، وارث خدا نیز بوسیله مسیح» (غلاطیان باب ۴ آیه ۷).

پولس به غلاطیان می‌گوید که آن‌ها نباید مانند بردگان زندگی و رفتار نمایند، بلکه به عنوان دختران و پسران خدا با تمام حقوق و امتیازاتی که برایشان وجود دارد، رفتار کنند - حقیقتی که مارتین لوتر جوان باید می‌شنید. از آنجایی که آگاهی‌اش از گناه عمیق‌تر می‌شد، مرد جوان بدنال کار خود برای بدست آوردن بخشش و آرامش بود. او زندگی بسیار سخت و طاقت فرسایی را در پیش گرفت، با روزه، دعای شبانه و ریاضت کشی سعی در رام نمودن شرارت‌های ذاتی خود را داشت که بموجب آن شیوه زندگی رهبانی هیچ تسکینی به همراه نداشت. او از هر گونه از خود گذشته‌گی منظور حصول خلوص قلب که او را قادر می‌ساخت تا به تأیید نظر خدا برسد، کوتاهی نکرد. او بعدها گفت که راهبی مؤمن بود که از قوانین خود پیروی نمود اما هیچ آرامشی در آن‌ها نیافت. او گفت: «اگر این امکان وجود داشت که یک راهب زاهد با رهبانیت و ریاضت کشی خود به ملکوت اعلی دست یابد، آنگاه مطمئناً باید شایستگی این موهبت نصیب من میشد.» با این حال، این روش سودی برای او حاصل نکرد.

تنها وقتی او بعدها شروع به درک حقیقت در باره رستگاری بواسطه مسیح نمود، همانطور که در غلاطیان آشکار شده است، شروع به کسب آزادی و امید روحانی برای خود نمود. در نتیجه، جهان ما با پژوهشهای او تغییر کرد و دیگر مانند گذشته نخواهد بود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۹ اوت آماده شوید.

وضعیت ما در مسیح (غلاطیان باب ۳ آیات ۲۶ تا ۲۹)

با داشتن غلاطیان باب ۳ آیه ۲۵ در ذهن، غلاطیان باب ۳ آیه ۲۶ را بخوانید. این آیه چگونه به ما در درک ارتباطمان با شریعت، حال که توسط عیسی نجات یافته‌ایم، کمک می‌کند؟

واژه زیرا در ابتدای آیه ۲۶ نشان می‌دهد که پولس رابطه‌ای مستقیم میان این آیه و آیه پس از می‌بیند. به همان صورتی که پسر یک ارباب تا زمانی که صغیر بود، تحت نظارت یک آموزگار بود، پولس می‌گوید که کسانی که ایمان به مسیح را بپذیرند دیگر صغیر نیستند؛ رابطه آن‌ها با شریعت تغییر کرده است زیرا آن‌ها اکنون «پسران» بالغ خدا می‌باشند. عبارت پسر مطمئناً تنها مربوط به ذکور نمی‌شود؛ پولس به وضوح اناث را نیز در این دسته قرار می‌دهد (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۸). دلیلی که او از واژه پسران به جای فرزندان استفاده می‌کند این است که او ارث خانواده را در ذهن دارد که به زادگان مذكر می‌رسید به همراه این واقعیت که عبارت «پسران خدا» انتصاب ویژه اسرائیل در عهد قدیم بود (تثنیه باب ۱۴ آیه ۱، هوشع باب ۱۱ آیه ۱). غیریهودیان نیز اکنون در مسیح، از رابطه خاص با خدا که تنها منحصر به بنی اسرائیل بود، بهره می‌برند.

چه چیزی در مورد تعمید وجود دارد که آن را به رویدادی بسیار مهم تبدیل می‌کند؟ غلاطیان باب ۳ آیات ۲۷ و ۲۸؛ رومیان باب ۶ آیات ۱ تا ۱۱؛ اول پطرس باب ۳ آیه ۲۱.

پولس با استفاده از واژه زیرا در آیه ۲۷ بار دیگر نشان می‌دهد که چقدر در برهان منطق استقرایی و گام به گام دقت نظر دارد. پولس تعمید را به عنوان یک تصمیم بسیار مهم برای متحد ساختن زندگی‌مان با مسیح می‌بیند. او در باب ۶ کتاب رومیان، تعمید را به صورت نمادین به عنوان متحد شدن ما با عیسی، هم در مرگ و هم در رستاخیز وی، توصیف می‌کند. پولس در غلاطیان استعارة دیگری را بکار می‌برد: تعمید عمل در بر گرفتن یا پوشیدن ردای مسیح می‌باشد. اصطلاح پولس یادآور آیات فوق‌العاده عهد قدیم هستند که از پوشیده شدن با عدالت و نجات صحبت می‌کنند (اشعیا باب ۶۱ آیه ۱۰، ایوب باب ۲۹ آیه ۱۴ را ببینید). «پولس تعمید را به عنوان لحظه‌ای می‌بیند که مسیح

مانند جامه‌ای، ایماندار را می‌پوشاند. اگرچه پولس از آن واژه استفاده نمی‌کند، اما او عدالتی را توصیف میکند که به ایمانداران اعطا شده است. « - فرانک جی. ماترا، نگارشی در باب غلاطیان طبق مرجع زیر.

Frank J. Matera, Galatians (Collegeville, Minn.: The Liturgical Press, 1992), p. 145

تعمید مظهر اتحاد ما با مسیح است بدین معنی که آنچه در باره مسیح صادق است در خصوص ما نیز صدق میکند. از آنجایی که مسیح از «ذریه و نسل» ابراهیم است، ایمانداران به عنوان «شریک ارث با مسیح» هستند (رومیان باب ۸ آیه ۱۷) ایمانداران همچنین همه وعده‌های عهد را که به ابراهیم و نسل او داده شد به ارث خواهند برد.

درباره اندیشه ای که میگوید هر آنچه برای عیسی صادق است برای ما نیز صدق میکند، بیشتر تأمل نمایید. این حقیقت شگفت‌انگیز، چگونه باید تمام جنبه‌های وجود ما را تحت تأثیر قرار دهد؟

۱۴ اوت

دوشنبه

بنده اصول ابتدایی بودن

با مقایسه ای که در باره رابطه ما با خدا و فرزندان و میراث داران شد حال پولس با گنجاندن موضوع وراثت در غلاطیان ۴: ۱-۳ به شرح و تفصیل این استعاره می‌پردازد. اصطلاحات پولس وضعیتی را تداعی می‌کند که بموجب آن صاحب یک ملک بزرگ فوت کرده و تمام دارایی خود را برای پسر ارشد خود به جا گذاشته است. اگرچه پسر او صغیر است. همانطور که این وضعیت اغلب برای وصیت‌نامه‌های امروزی نیز وجود دارد، وصیت پدر تصریح می‌کند که پسرش باید تحت نظارت قیم‌ها و مدیران باشد تا به بلوغ برسد. اگر چه او از عنوان صاحب ملک پدرش برخوردار می‌باشد ولی به عنوان یک فرد صغیر، عملاً کمی بیش از یک برده می‌باشد.

قیاس پولس شبیه به مُرشد یا لَیله در غلاطیان باب ۳ آیه ۲۴ است، اما در این مورد، قدرت مباشرین و مدیران به مراتب برتر و مهم‌تر می‌باشد. آن‌ها نه تنها مسئول تربیت پسر ارباب هستند، بلکه مسئول تمام فعالیت‌های مالی و اداری نیز هستند تا زمانی که پسر به اندازه کافی بزرگ شود که بتواند وظایف خود را انجام بدهد.

غلاطیان باب ۴ آیات ۱ تا ۳ را بخوانید. با توجه به گفته پولس، شریعت یا احکام در زندگی‌های ما، حال که در مسیح هستیم چه نقش کمکی ایفا میکند؟

دقیقا آنچه پولس از عبارت «اصول ابتدایی» در (غلاطیان باب ۴ آیات ۳ و ۸) در ذهن دارد، مورد بحث میباشد. واژه یونانی stoicheia بطور تحت اللفظی به معنای «عناصر» می‌باشد. برخی از آن به عنوان توصیفی از عناصر اصلی که جهان را تشکیل می‌دهند، یاد کرده‌اند (دوم پطرس باب ۳ آیات ۱۰ و ۱۲)؛ یا به عنوان قدرت‌هایی شیطانی که این عنصر شرارت را کنترل می‌کنند (کولسیان باب ۲ آیه ۱۵)؛ یا اصول ابتدایی زندگی مذهبی، القباى مذهب (عبرانیان باب ۵ آیه ۱۲). تأکید پولس بر وضعیت بشر به عنوان «صغیر» قبل از آمدن مسیح (غلاطیان باب ۴ آیات ۱ تا ۳) نشان می‌دهد که او در اینجا اشاره به اصول ابتدایی زندگی مذهبی دارد. اگر چنین است، پولس می‌گوید که دوران عهد قدیم با احکام و قربانی‌هایش، صرفاً انجیلی آغازین بود که اصول نجات را تعیین نمود. بنابراین، با وجود اهمیت و آموزشی بودن احکام تشریفاتی برای بنی‌اسرائیل، آن‌ها تنها سپیده‌ای بود که حاکی از طلوع خورشید بود. آن سپیده‌ها هرگز قرار نبود جای مسیح که خورشید عدالت است را بگیرند.

تنظیم نمودن زندگی بر پایه این قوانین به جای مسیح مانند میل بازگشتن به گذشته می‌باشد. برای غلاطیان بازگشت به آن اصول اولیه پس از اینکه مسیح آمده بود، مانند پسر بالغ در مقایسه پولس بود که می‌خواست بار دیگر به دوران صغیری خود بازگردد!

در حالی که ایمان ساده و بی‌آلایش می‌تواند مثبت باشد (متی باب ۱۸ آیه ۳)، آیا به میزان بلوغ روحانی اهمیت دارد؟ یا می‌توانید چنین استدلال نمایید که هر چه بیشتر از نظر روحانی رشد می‌کنید، ایمانتان از سادگی بیشتری برخوردار خواهد بود؟ ایمان شما تا چه میزان ساده، «بی‌ریا و پاک‌نهاد» و قابل اعتماد می‌باشد؟

۱۵ اوت

سه شنبه

«خدا پسر خود را فرستاد» (غلاطیان باب ۴ آیه ۴)

«لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد» (غلاطیان باب ۴ آیه ۴).

انتخاب واژه کمال توسط پولس، نقش فعال خدا در به انجام رساندن هدفش در تاریخ بشر را نشان می‌دهد. عیسی در زمانی بطور اتفاقی نیامد؛ او در زمان دقیقی که به عنوان صلح رومیان (Pax Romana) شناخته می‌شود، آمد، دوره‌ای دویست ساله از ثبات و آرامش نسبی در سرتاسر امپراتوری روم. فتح منطقه مدیترانه صلح به ارمغان آورد، زبانی مشترک، راه‌های مطلوب برای سفر و فرهنگ مشترکی که انتشار سریع انجیل را آسان

می‌نمود. از دیدگاه و منظر کتاب مقدّسی، همچنین زمانی است که خدا برای آمدن مسیح موعود در نظر داشت (دانیال باب ۹ آیات ۲۴ تا ۲۷ را ببینید).

چرا مسیح باید برای نجات ما شکل انسانی به خود می‌گرفت؟ یوحنا باب ۱ آیه ۱۴؛ غلاطیان باب ۴ آیات ۴ و ۵؛ رومیان باب ۸ آیات ۳ و ۴؛ دوم قرنتیان باب ۵ آیه ۲۱؛ فیلیپیان باب ۲ آیات ۵ تا ۸؛ عبرانیان باب ۲ آیات ۱۴ تا ۱۸، باب ۴ آیات ۱۴ و ۱۵.

آیات ۴ و ۵ باب ۴ غلاطیان شامل یکی از مختصرترین روایات انجیل در کتاب مقدّس می‌باشد. آمدن عیسی به تاریخ بشریت اتفاقی نبود. «خدا پسر خود را فرستاد.» به عبارت دیگر، خدا در نجات ما پیشقدم شد.

در این آیات همچنین به باور اساسی مسیحی در الوهیت ابدی مسیح، اشاره شده است (یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۳ و ۱۸؛ فیلیپیان باب ۲ آیات ۵ تا ۹؛ کولسیان باب ۱ آیات ۱۵ تا ۱۷). خدا یک پیک آسمانی را نفرستاد. او خود آمد.

اگر چه او فرزند ازلی خدا بود با اینحال عیسی از طریق یک زن مولود گشت. با وجود اینکه تولد از یک باکره در این جمله آمده است، اما بطور ویژه انسانیت حقیقی او را تایید می‌کند.

عبارت «متولد شده تحت شریعت» نه تنها به اصل یهودی عیسی اشاره دارد، بلکه همچنین شامل این حقیقت می‌شود که محکومیت ما را به دوش می‌کشد و مولود گردیده بود بخاطر اینکه برای گناهان ما می‌میرد.

برای مسیح لازم بود که انسانیت ما را در بر گیرد زیرا ما نمی‌توانستیم خود را نجات بدهیم. مسیح با متحد کردن طبیعت الهی خود با طبیعت بشری سقوط کرده ما، از نظر قانونی واجد شرایط شد تا جایگزین، نجات دهنده و کاهن اعظم ما بشود. او به عنوان دومین آدم، آمد تا همه آنچه را که آدم نخستین بدلیل نافرمانی‌اش از دست داد، باز پس گیرد (رومیان باب ۵ آیات ۱۲ تا ۲۱). او با فرمانبرداری‌اش، کاملاً خواسته‌های شریعت را به جا آورد و از این رو، سقوط غم‌انگیز آدم را جبران نمود. و با مرگش بر روی صلیب، حکم شریعت بر او اجرا شد، که مستلزم مرگ گناهکار بود و بدین سبب محق گردید تا تمامی کسانی را که با ایمان درست نزد او آمده و خود را تسلیم کنند بازخرید نموده و از چنگال مرگ ابدی رهایی بخشند.

۱۶ اوت

چهارشنبه

امتیاز فرزند خواندگی (غلاطیان باب ۴ آیات ۵ تا ۷)

پولس در غلاطیان باب ۴ آیات ۵ تا ۷، موضوع را بسط می‌دهد و تأکید می‌کند که مسیح اینک، «آنانی را که زیر شریعت باشند فدیہ کرد» (آیات ۴ و ۵). واژه فدیہ کردن به معنی «باز خریدن» می‌باشد. به قیمتی اشاره دارد که برای خریدن آزادی یک اسیر یا برده پرداخت می‌شد. همانطور که این مضمون اشاره میکند، نجات و رهایی حاکی از یک پیشینه حزن آلود و غم افزاست: فردی نیازمند آزاد شدن است.

ولی از چه چیزی نیاز داریم تا آزاد بشویم؟ عهد جدید چهار مورد را در میان موارد دیگر ارائه می‌دهد: (۱) آزادی از اهریمن و نیرنگهایش (عبرانیان باب ۲ آیا ۱۴ و ۱۵)، (۲) آزادی از مرگ (اول قرنیتیان باب ۱۵ آیات ۵۶ و ۵۷)، (۳) آزادی از نیروی گناه که طبیعتاً ما را به اسارت در می‌آورد (رومیان باب ۶ آیه ۲۲) و (۴) آزادی از محکومیت شریعت (رومیان باب ۳ آیات ۱۹ تا ۲۴، غلاطیان باب ۳ آیه ۱۳، باب ۴ آیه ۵).

مسیح از طریق نجاتی که در او داریم، چه هدف مثبتی را برای ما کسب نموده است؟ غلاطیان باب ۴ آیات ۵ تا ۷؛ افسسیان باب ۱ آیه ۵؛ رومیان باب ۸ آیات ۱۵، ۱۶ و ۲۳، باب ۹ آیات ۴ و ۵.

ما اغلب از آنچه مسیح برای ما انجام داده است با عنوان «نجات» نام می‌بریم. اگرچه این واژه درست است، اما به اندازه واژه منحصر بفرد استفاده شده توسط پولس، فرزندخواندگی (huiiothesia)، پویا و توصیفی نمی‌باشد. اگرچه پولس تنها نویسنده عهد جدید است که از این واژه استفاده می‌کند لیکن فرزند خواندگی یک روند قانونی در جهان یونانی-رومی تلقی می‌شد. چندین امپراتور روم در زمان زندگی پولس از فرزندخواندگی برای انتخاب جانشین خود استفاده میکردند خصوصاً وقتی که هیچ وارث قانونی نداشتند. فرزندخواندگی چندین امتیاز را تضمین می نمود: «(۱) پسرخوانده، پسر واقعی تلقی میشود... (۲) پدرخوانده توافق می‌کند که فرزند را به درستی تربیت نماید و نیازهای خوراکی و پوشاکی وی را تأمین کند. (۳) پدرخوانده نمی‌تواند پسرخوانده خود را انکار نماید. (۴) فرزند نمی‌تواند به سطح یک برده تنزل یابد. (۵) والدین حقیقی فرزند هیچ حقی برای باز پس گرفتن وی نخواهند داشت. (۶) فرزندخواندگی حق به ارث بردن را شامل می‌شود.» دِرک آر. مور، برگرفته شده از مرجع زیر.

Derek R. Moore-Crispin, »Galatians 4:1-9: The Use and Abuse of Parallels,«
The Evangelical Quarterly, vol. LXI/No. 3 (1989), p. 216

اگر این حقوق در سطح دنیوی تضمین شده‌اند، تصور کنید امتیازاتی که ما از فرزندخوانده خدا بودن داریم، تا چه میزان بزرگتر هستند.

با خواندن غلاطیان باب ۴ آیه ۶، متوجه می‌شویم که واژه عبری Abba واژه‌ای خودمانی بود که فرزندان برای خطاب به پدرشان استفاده می‌کردند، مانند واژه امروزی بابا. عیسی در دعا از این واژه استفاده نمود (مرقس باب ۱۴ آیه ۳۶) و ما نیز به عنوان فرزندان خدا، حق «ابا» خواندن خدا را داریم. آیا شما از چنین صمیمیتی با خدا در زندگیتان لذت می‌برید؟ اگر خیر، مشکل چیست؟ برای بوجود آوردن این صمیمیت چه چیزی را می‌توانید تغییر بدهید؟

۱۷ اوت

پنجشنبه

چرا بازگشتن به بردگی؟ (غلاطیان باب ۴ آیات ۸ تا ۲۰)

غلاطیان باب ۴ آیات ۸ تا ۲۰ را بخوانید. آنچه پولس در آنجا می‌گوید را در زیر خلاصه‌وار بنویسید. او تعالیم دروغین در میان غلاطیان را تا چه حد جدی می‌داند؟

پولس ماهیت دقیق شیوه‌های مذهبی غلاطیان را توضیح نمی‌دهد، اما مطمئناً نظام نادرست عبادت که باعث اسارت روحانی شد را در ذهن دارد. در واقع، او آن را بسیار خطرناک و مخرب تلقی نمود که چنین نامه‌پر شوری می‌نویسد، و به غلاطیان هشدار می‌دهد که آنچه انجام می‌دادند همانند روی برگرداندن از پسرخواندگی به بردگی بود.

اگر چه پولس به جزئیات نپرداخت، می‌گوید که غلاطیان چه کاری انجام می‌دادند که بسیار قابل اعتراض می‌دید؟ غلاطیان باب ۴ آیات ۹ تا ۱۱.

بسیاری اشاره پولس به «روزها و ماهها و فصل‌ها و سالها» (غلاطیان باب ۴ آیه ۱۰) را به عنوان اعتراض نه تنها به احکام تشریفاتی بلکه به روز سبت نیز تعبیر کرده‌اند. اگرچه چنین تعبیری فراتر از شواهد می‌رود. برای شروع، اگر پولس واقعاً می‌خواست روز سبت و سایر شیوه‌های خاص یهودی را جدا سازد. روشن است که می‌توانست به راحتی آن‌ها را با نام تشخیص بدهد. دوم، پولس به وضوح می‌گوید که کاری که غلاطیان انجام می‌دهند باعث شده است که آن‌ها از آزادی در مسیح به اسارت بروند. «اگر نگه داشتن روز هفتم، سبت، انسان را در معرض اسارت قرار می‌دهد، پس خالق وقتی نخستین سبت

جهان را نگه داشت، باید وارد اسارت شده باشد!» کتاب مقدس تفسیری ادونتیستهای روز هفتم جلد ششم صفحه ۹۶۷.

The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 967

همچنین، چرا عیسی علاوه بر نگه داشتن روز سبت، به دیگران نیز چگونگی نگه داشتن آن را آموخت، اگر رعایت کنندگان سبت بطور مقتضی به گونه‌ای مردم را از آزادی که در او داشتند، محروم می‌کرد؟ (مرقس باب ۲ آیات ۲۷ و ۲۸، لوقا باب ۱۳ آیات ۱۰ تا ۱۶ را ببینید.)

آیا در مکتب ادونتیستهای روز هفتم، شیوه‌ای وجود دارد که آزادی را که در مسیح داریم از بین ببرد؟ یا در عوض خود شیوه‌ها و مهارت‌ها دارای اشکال باشند، نگرش ما نسبت به آن شیوه‌ها چطور؟ یک نگرش نادرست چگونه می‌تواند ما را به نوعی اسارت که پولس به غلاطیان در مورد آن به شدت هشدار داد، سوق دهد؟

۱۹ مه

جمعه

تفکری فراتر: «در همایش ملکوت، چنین مقرر شد که بشر اگرچه متجاوز بود، نباید در نافرمانی نابود بشود، بلکه از طریق ایمان به مسیح به عنوان جایگزین و شفاعت، توسط خدا مقرر شود که به عنوان فرزندان عیسی مسیح به حسب اراده مقبول وی به فرزندخواندگی پذیرفته شوند. خداوند چنین اراده نموده است که همه انسان‌ها نجات یابند؛ زیرا تدارکات فراوانی دیده شده است، که با فدیة تنها پسرش، بهای گناه بشر پرداخت بشود. کسانی که هلاک خواهند شد، به این دلیل خواهد بود که از اینکه از طریق عیسی مسیح توسط خدا به فرزندی پذیرفته شوند، سر باز می‌زنند. غرور انسان مانع این می‌شود که او شروط نجات را بپذیرد. اما بشر شایستگی ندارد تا نزد خدا پذیرفته و مقبول گردد. آنچه که انسان را نزد خدا مقبول و پسندیده میکند، اعطای فیض مسیح بواسطه ایمان به نام اوست. اعمال و کردار ما هیچ‌گونه باعث دلگرمی نمیشود که شایسته ملکوت گردیم و نه احساس وجد و نشئه روحانی شاهی خواهد بود که انسان‌ها برگزیده خدا هستند چرا که برگزیدگان بواسطه مسیح برگزیده شده‌اند.» - الن جی. وایت، برگزیده شده در مسیح از مجله نشانه‌های زمان بتاریخ دوم ژانویه ۱۸۹۳.

Ellen G. White, »Chosen in Christ,« Signs of the Times, January 2, 1893

سوالاتی برای بحث

۱. در مورد اینکه در مسیرمان با خداوند، مانند فرزندان او باشیم، بیشتر تأمل کنید. کدام یک از جنبه‌های فرزند بودن را باید در مورد ایمانمان و رابطه‌مان با خدا تقلید کنیم؟ در عین حال، چه راههایی وجود دارد که بواسطه آن این ایده را تعمیم بدهیم؟ در این باره بحث کنید.
۲. در کلاس، سؤال آخر مطالعه روز پنجشنبه را بار دیگر مطرح کنید. ما به عنوان ادونتیسست‌های روز هفتم، چگونه ممکن است در آن نوع از اسارت که به طور مطلوب از آن آزاد شدیم، گرفتار شویم؟ چگونه می‌تواند چنین چیزی برایمان اتفاق بیافتد و چگونه می‌توانیم بدانیم چنین شده است و چگونه می‌توانیم آزاد بشویم؟

خلاصه: ما در مسیح در خانواده خدا به فرزندخواندگی پذیرفته شده‌ایم. به عنوان فرزندان خدا، ما به تمام حقوق و امتیازاتی چنین رابطه خانوادگی دسترسی داریم. مرتبط بودن با خدا تنها بر پایه قوانین و احکام احمقانه خواهد بود. مانند پسری خواهد بود که از خواستگاری موقعت و میراثش سر باز زند تا یک برده شود.